

یادداشت/ یک رئیس جمهور، یک وزیر کشاورزی



رامین امینی زارع
دانش آموخته دانشگاه تهران

دولت سیزدهم درحالی روی کار می آید که میراث دار کامیابی ها و ناکامی های بسیار تاریخی، از هزاران سال پیش در فلات ایران زمین است، چنان که روزگاری مهتر دادگر هخامنشی، در ابتهالی که بر سینه سنگ برای نسل های آینده نگاشته است، ایران را از دشمن، دروغ و خشکسالی به خدای یکتا، پناه می دهد.

مخاطب این نوشتار کوتاه رئیس جمهور آینده ی یکی از کشورهای مهم جهان در سه راهی پیوند تاریخی سه قاره و به عبارتی قلب جهان است. همو که نظامی در دوبیت از هفت پیکر شکوه آن را توصیف کرده است : همه عالم تنست و ایران دل/ نیست گوینده زین قیاس خجل

چونکه ایران دل زمین باشد/ دل ز تن به بود یقین باشد

ایرانی که دارای چند هزار سال تاریخ نوشتاری است که از نگاه کشاورزی، بسیاری از گیاهان در این سرزمین برای نخستین بار کشت شده اند، دام ها در این دیار اهلی شده اند و نیاکان ما در این کشور پدیدآورنده معجزه قنات در جهان هستند. مهم ترین مساله پیش روی برای مدیریت بخش کشاورزی یا به خوانش دیگر امنیت غذایی کشور، موضوع

منابع پایه آب، خاک و سرمایه در بخش کشاورزی است، منابع آب های زیرزمینی ایران شامل چاه ها، چشمه ها و قنات است که بخش قابل توجهی از آن در بخش کشاورزی مصرف می شود.

یک پژوهش گرایرانی و همکارانش در فنلاند داده های مربوط به سیستم ملی نظارت بر آب های زیرزمینی ایران را از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ مطالعه کرده اند. بر اساس این مطالعه در طول دوره مورد بحث (۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵) تعداد چاه های استخراج آب های زیر زمینی در ایران تقریباً ۲ برابر شده است. با این حال مقدار آب زیرزمینی استخراج شده طی این دوره ۱۸ درصد کاهش یافته است. در سطح کشور سطح آب زیرزمینی سالانه به طور متوسط □□ تقریباً نیم متر کاهش می یابد.

در بسیاری از چاه ها آب به میزان قابل توجهی شورتر شده است، تا حدی که در صورت آبیاری با آن، فقط گیاهانی می توانند رشد کنند که قادر به جذب آب شور هستند.

طی این دوره کیفیت آب های زیرزمینی ایران فقط در چند منطقه مرطوب (در شمال فلات ایران) بهبود یافته است.

کمبود آب و خشکسالی، معیشت مردم را در سراسر ایران تهدید می کند. در این سطور قصد طرح مسائل فنی را ندارم زیرا چندی پیش در یادداشتی در ایرنا با عنوان سازگاری با ریسک خشکسالی قرن جدید

به تفصیل به آن پرداخته ام؛ غرض پیشنهاد سیاستگذاری درست و تشکیل وبهره گیری از اتاق های فکرموثر است و اما کوتاه سخن به چند پیشنهاد به شرح ذیل بسنده می کنم:

۱. براساس خط فکری سازمان ملل متحد، دفاتر تخصصی فائوبانک جهانی و همچنین دانشگاه ها و بنیه تخصصی اجرایی موجود، طرح راهبردی درجهت مهار بیابان زایی، فرسایش خاک، بهبود راندمان آبیاری، تهیه و اجرا گردد. (در زمان حضور نگارنده در دانشگاه تهران، شاهد توان تخصصی این دانشگاه و توانمندی هدایت این موضوعات بودم).

۲. مساله و موضوع سرمایه گذاری و سرمایه گریزی جدی گرفته شود، مطالعه روند سرمایه گذاری در دهه اخیر موید ضرورت این مقوله حیاتی است. براساس اطلاعات منتشر شده توسط بانک مرکزی میزان سرمایه گذاری در بخش کشاورزی در سال ۹۰ به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۸۷ هزار میلیارد ریال بوده است که در سال ۹۸ این رقم به ۳۵ هزار میلیارد ریال کاهش یافته است که به طور متوسط سالانه رشد ۱۰.۸- درصدی را

نشان می‌دهد.

۳- تامین مالی بخش کشاورزی و به قول مدیرعامل بانک کشاورزی، ایجاد جریان مطمئن اعتباری، موضوع مهم دیگری است که با تجهیز و تقویت این نهادخوش بنیان مالی با قریب به یک سده تجربه نظام مند در تامین اعتبارات مورد نیازی تواند وضعیت ماندگاری و جذب سرمایه را تا حد زیادی بهبود بخشد، پرداخت بیش از هفتصد و چهل هزار میلیارد ریال تسهیلات در همین دوره مالی اخیر نشان دهنده کارآمدی این نهاد تخصصی است. کمترین دست کاری در نظام بانکی که اصول و قواعد دقیق خود را دارد و در این سال‌های، به ویژه در دهه اخیر موتور توسعه کشور در این شرایط بوده است می تواند شالوده هارا درهم ریزد، بلکه نخستین کار بهبود، تجهیز و تقویت شبکه بانکی کشور و اصلاحات تدریجی است. تاختن بی منطق به سیستم بانکی کشور که درد مال باختگی ناشی از دخالت دولت و شبه دولت را بر پیکر افکار خود دارد، جفای مضاعف به جمعیت بزرگ، نجیب، کارآمد و متخصص ایرانی است که در این زمانه توانسته است موجبات افتتاح پیاپی طرح های تولیدی را رقم زند.

۴- اعتبارات در بخش کشاورزی به منزله اکسیژن است، چنان که هریک در صد افزایش در اعتبارات، ارزش افزوده را برابر با شش صدم درصد در اعتبارات جاری و همچنین نه صدم درصد در اعتبارات سرمایه ای افزایش می دهد. بانک تخصصی موجود، در دولت سیزدهم می تواند مورد توجه مضاعف قرار گیرد و به عنوان الگوی موفق توسعه در نظام بانکی کشور، محور راهبری شبکه بانکی کشور به شمار آید.

۵- موضوع جبران نظام مند خسارات و استمرار تولید بر اساس آموزه های استاندارد ملل متحد و بانک جهانی، از طریق سازکار بیمه ای با تامین حق بیمه سهم دولت و تقویت بیمه کشاورزی، فرایاد باشد، زیرا سازکار بنیادین موثر دیگری جایگزین آن وجود ندارد. سخن پایانی این که تلاش بسیاری از سوی جامعه بزرگ کشاورزی ایران انجام شده است اما کشاورزی با ابرچالش های پرشماری از جمله موارد یاد شده روبروست و می توان برای بسیاری از آن هاراه حل یافت و برنامه ریزی و اجرا کرد. بی شک مجموعه متخصصان این بخش، گفتنی هایی مهم با رئیس جمهور محترم و وزیر جهاد کشاورزی دولت پیش روی دارند. به امید روزگار بهتر